

دانشگاه‌سازی

شد - تفهیم کند که پای‌بندی آکادمی‌سین‌ها به قانون باید الگوی دیگران قرار بگیرد.

سقراط حکیم با آن که به بی‌گناهی خود معتقد بود جام شوکران را نوشید تا این درس بزرگ را به دانشگاهیان آینده بدهد که یکی از مهم‌ترین خصلت‌های اخلاق آکادمیک پای‌بندی به قانون است. هنوز هم پس از ۲۵۰۰ سال انتظار آن است که ثمره دانشگاه انسان‌هایی مسئول باشد. به عنوان مثال، رابرت هاتکینز در کتاب «دانشگاه آرمانشهر» خود می‌گوید که «هدف نظام آموزشی، در مجموع، تولید نیرو برای صنعت یا یاد دادن روش‌های تأمین مخارج زندگی به جوانان نیست. هدف بار آوردن شهروندانی مسئول است.»

افلاطون برای ترویج روش‌های تولید علم سقراط، یعنی روش‌هایی که در آموزش عالی به کار می‌رود، در یک باغ در بیرون از شهر آتن مدرسه‌ای را تأسیس کرد و آن را آکادمی نامید، که به عنوان نخستین دانشگاه مغرب‌زمین شهرت دارد. افلاطون بر سر در این مدرسه جمله مشهور «کسی که هندسه نمی‌داند وارد نشود» را نوشت.

ساخت دانشگاه در کشور عزیزمان ایران قدمتی دیرینه دارد و می‌توان گفت که نخستین دانشگاه بزرگ جهان، دانشگاه گندی‌شاپور، در ایران ساخته شده است. پس از آن نیز در زمان‌های مختلف دانشگاه‌های گوناگونی در شهرهای مختلف ایران با معماری‌هایی زیبا و هدف‌مند، بیشتر با نام مدرسه یا مدرسه علمیه ساخته شده است. این مدرسه‌ها عموماً برای جدا کردن فعالیت‌های آموزشی از مناطق مسکونی در کنار بازار هر شهر ساخته می‌شدند و صحنی بزرگ با تعداد زیادی ایوان، رواق، و حجره در گرداگرد خود برای گفت‌وگوهای دانشجویی داشتند (مانند مدرسه علمیه طالبیه یا صادقیه در بازار بزرگ تبریز). حدود ۸۰ سال است که دانشگاه‌های مدرن در ایران تأسیس شده‌اند، و به ویژه در ۳۰ سال اخیر در ساخت واحدهای مختلف دانشگاه آزاد اسلامی، مانند واحد علوم و تحقیقات، و توسعه دانشگاه‌های سراسری تجاری‌گرا، گران‌بها داریم.

معماران دانشگاه‌ساز همواره تلاش کرده‌اند که مکان دانشگاه را به گونه‌ای انتخاب کنند و دانشگاه را به گونه‌ای بسازند که سبب نشود دانشجویان یا استادان دانشگاه اخلاق پای‌بندی به قانون را از دست بدهند و یا قانون‌مداری را ناچیز جلوه دهند. اساساً نظر به این که بسیاری از دانشجویان مؤسسات آموزش عالی پس از فارغ‌التحصیلی معمولاً در منصب‌ها و مسئولیت‌هایی مشغول می‌شوند که رعایت قانون

«مگر میدان آتن برای گفت‌و شنود ساخته نشده است؟» این سخن از سقراط حکیم است. عادت حکیم این بود که سحرخیز باشد و روزها در شهر پرسه بزند. در اینجا و آنجا بایستد و مباحثه‌گران را به بحث درباره یک موضوع برانگیزد. مباحثات او معمولاً در بازار انجام می‌گرفت. در ایوان‌های سرپوشیده بازار به دنبال فروشنده‌های حرّاف می‌گشت و یا بازرگانانی را می‌یافت که دوست داشتند روزی را با بحث و مناظره سپری کنند. از آن ایوان‌ها خارج می‌شد و به میدان عمومی شهر (مشهور به آگورا^۱) می‌رفت. در یک طرف میدان‌های یونان باستان دیواری طویل و در طرف دیگر میدان ایوان‌های بازار قرار داشت، و فضای وسیع بین دیوار و ایوان‌ها مکان خوبی را برای بحث و مناظره به وجود می‌آورد. در همین محیط بود که مباحثه و گفت‌و شنود رشد و نمو یافت، و از همین جا، یعنی میادین و رواق‌های آتن قرن چهارم پیش از میلاد بود که مفهوم دانشگاه امروزی متولد شد.

روش سقراط ساده بود. در طول هر مباحثه کلمه‌ای بحث‌انگیز مانند عشق، نفرت، ترس، عدالت، یا بی‌عدالتی به میان می‌آمد و یا ممکن بود پرسشی مطرح شود و این پرسش خود پرسش‌های دیگری را پدید می‌آورد. در این مورد، سقراط پیش‌قدم می‌شد؛ پرسش پشت پرسش، توضیح پس از توضیح، هر کدام به دقت بررسی می‌شد. کل مراسم گاه خسته‌کننده می‌شد، اما او و شاگردانش از این مباحثات لذت می‌بردند (که در میان آنها افلاطون و زنون^۲ - که مکتب فلسفی‌اش به دلیل آن که بحث‌ها در رواق‌ها انجام می‌شد به رواقی‌گری^۲ شهرت دارد - حضور داشتند). بدین ترتیب، مفاهیم مختلف روشن شدند و درک مردم از خودشان و دنیای اطراف‌شان پیشرفت کرد و اساس تمدنی جدید پدید آمد.

سقراط - که روش‌های آموزشی و روش‌های تولید علمش بنیادهای مکانی را که امروز به دانشگاه مشهور است فراهم کرد - حدود دو هزار و پانصد سال پیش در کهن‌سالی به دلایل واهی مانند معرفی خدایان جدید به مرگ محکوم شد. دوستان سقراط امکان فرار وی را فراهم ساختند، ولی او نپذیرفت. سقراط می‌خواست به شاگردانش - مانند افلاطون که بانی نخستین آکادمی^۲ در مغرب‌زمین

^۱ Agora

^۲ Stoicism

نمی‌توان انتظار داشت که نیروی پلیس تعداد زیادی جرثقیل داشته باشد و گاراژداری کند.

همچنان که گفتیم دو هزار و پانصد سال پیش افلاطون بر سر در آکادمی خود تابلویی با متن «کسی که هندسه نمی‌داند وارد نشود» را نصب کرد. حال به عکس زیر مربوط به مکان ذکر شده توجه کنید. عبور اتوبوس مشهود در این عکس با بارها عقب‌وجلو رفتن و کمک‌عابرین ممکن شد. کسانی که با اصول ساده هندسه آشنا باشند می‌دانند که با پارک کردن خودرو در سه طرف چنین پیچی _ که در دو طرف آن تابلوی «حمل با جرثقیل» وجود دارد _ احتمال عبور راحت خودروهای بزرگ مانند اتوبوس یا ماشین آتش‌نشانی بسیار کم می‌شود.



شهرداری تهران در اقدامی فرهنگ‌ساز و قابل ستایش بیلبردهایی با عنوان «پیاده‌رو جای عبور موتورسیکلت نیست» نصب کرده است (که اگر همراه شود با اعمال بند ۲ و بند ۲۰ ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها،

در آنها بسیار مهم است تربیت دانشجویانی که قانون‌مداری را سبک بشمارند سد بزرگی خواهد بود در برابر پیشرفت و توسعه کشور.

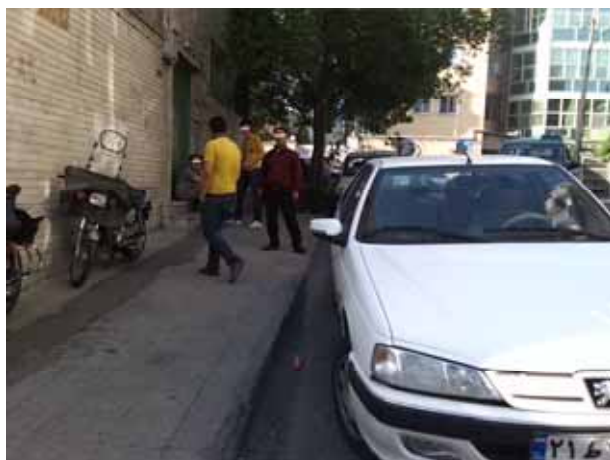
برای این که مقصود خود را بهتر توضیح دهیم و مزایای **دانشگاه‌های آزاد اینترنتی (MOOC)** را که در دو مقاله بعدی می‌آید بهتر درک کنیم به ذکر نمونه‌ای از تصمیماتی می‌پردازیم که سبب شده‌اند مؤسساتی به وجود بیایند که به دلیل نداشتن فضای آموزشی مناسب در یک مکان مناسب، به گونه‌ای حیرت‌انگیز قوانین راهنمایی و رانندگی نقض شود، و مباحثات دانشجویی در پیاده‌رو و خیابان و در کنار درب ورودی یا پنجره‌های منازل مسکونی انجام بگیرد. در یک منطقه مسکونی در منطقه ۷ شهرداری تهران، در فاصله‌ای حدوداً ۳۰ متر برای سه واحد آموزشی مختلف مجوز فعالیت داده شده است (یک مدرسه راهنمایی، و دو مؤسسه آموزش عالی). هنگامی که این مؤسسات کلاس درس دارند معمولاً سرتاسر کوچه که در جای‌جای آن تابلوی توقف‌ممنوع و حمل با جرثقیل نصب شده است توقف‌گاه خودرو می‌شود و در زمان‌هایی که این مؤسسات کلاس درس ندارند کوچه خلوت است. نقض گسترده قوانین راهنمایی و رانندگی چهره شهر را به شهری بی‌قانون تبدیل می‌کند، و قبح قانون‌شکنی را به ویژه در نظر دانش‌آموزانی که شاهد چنین وضعیت‌هایی هستند تضعیف می‌کند. این در حالی است که حدود یک‌صد سال از وضع قوانین راهنمایی و رانندگی در ایران گذشته است، و متأسفانه هنوز حرکت خودروها بین دو خط برای مان به یک رؤیا تبدیل شده است.



علت آن است که در مورد نقض گسترده قوانین راهنمایی و رانندگی متأسفانه نوعی بی‌تفاوتی به وجود آمده است و بیشتر انتظار آن است که پلیس مسئله را حل کند، در حالی که در مکان نمونه ذکر شده پلیس به خوبی وظیفه خود را انجام می‌دهد، و در بسیاری از روزها برگه‌های جریمه را بر روی خودروهای متخلف الصاق کرده است.

گذشته کارنامه خوبی از خود به جای گذاشته‌اند بهره بگیرد. برپاسازی **دانشگاه‌های آزاد اینترنتی (MOOC)** قدرتمند راه حلی اساسی تر است که نه تنها می‌تواند با هزینه‌ای بسیار کمتر از دانشگاه‌های سنتی پیشرفت‌های علمی کشور را سریع‌تر کند، بلکه می‌تواند یک زیرساخت مناسب باشد برای آموزش تمام‌عمر فراگیر در کشور. □

این نوع مزاحمت‌ها به کمترین حد خود خواهد رسید). حال به عکس زیر مربوط به همان مکان ذکر شده نگاه کنید. عابرین پیاده ناچارند به دلیل سد معبر به وجود آمده در پیاده‌رو در خیابان تردد کنند.



هنگامی که یک خانه قدیمی در مکانی نامناسب تبدیل به یک مؤسسه آموزش عالی می‌شود دانشجویانی که زودتر از زمان شروع کلاس درس به محل می‌رسند یا می‌خواهند بحث‌های دانشجویی پس از کلاس را برپا کنند به دلیل کوچک بودن مؤسسه آموزشی و نداشتن امکانات مناسب ناچارند بر روی پله ورودی ساختمان‌های اطراف بنشینند یا در پیاده‌روها و حتی در خیابان بایستند. اگر از مزاحمتی که این وضعیت برای ساکنین این ساختمان‌ها به وجود می‌آورد بگذریم، چنین دانشگاه‌هایی زینده کشور بزرگ ایران نیست که تجربه‌ای دیرینه در ساخت دانشگاه دارد و کشوری است با توانایی‌های اقتصادی بالا _ حتی در شرایط تحریم اقتصادی. خصوصی‌سازی آموزش عالی نباید به مفهوم پایین آوردن استانداردهای آموزشی باشد. چنانچه ضروری باشد دولت محترم می‌تواند با تخصیص وام یا زمین مناسب برای این مؤسسات مکان‌هایی در شأن دانشجویان و استادان آنها فراهم کند، و در صورت لزوم از تجربیات خیرین مدرسه‌ساز که در سال‌های

منابع:

- ویکیپدیا؛ *Robert Maynard Hutchins*
- «انقلاب در آموزش»، شماره ۷۰۶؛ ص ۲۶؛ ماهنامه ریزپردازنده.